

فقه حکومتی، تعاریف، الزامات، موضوع

هادی اسماعیل زاده¹ حسن فلاح احمد چالی² رحمان ولی زاده³

¹ دانشجوی مقطع دکتری تخصصی گروه الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران
Esmailzadehhadi99@gmail.com

² استادیار گروه آموزشی ادیان و عرفان اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)
h951311@gmail.com

³ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران
Valizadeh1121@gmail.com
نویسنده مسئول: h951311@gmail.com

تاریخ دریافت: 1403/12/21 تاریخ پذیرش: 1404/03/29

چکیده

در فرآیند استنباط مسائل فقهی روش‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد، یکی از روش‌ها رویکرد حکومتی به فقه است که در نتیجه آن فقیه به برداشتی از منابع و ادله فقهی نائل می‌شود، که با فقه سنتی و رویکرد فردی به فقه متفاوت و متمایز است؛ در فرایند استنباطی که ناظر به اداره کلان جامعه است، روش‌های اداره مطلوب جامعه بر اساس آموزه‌های فقهی مورد توجه قرار گرفته و فقیه، با هدف برقراری نظام کارآمد و منسجم، به استنباط احکام فقهی می‌پردازد. بنابراین منظور از فقه حکومتی، موضوعات فقهی به منزله اجزای یک کل منسجم و مترابط، نه به عنوان مباحث مجزا و مستقل، مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که فقه، به جای مجموعه‌ای از احکام منفصل، یک نظام یکپارچه و شبکه‌ای از موضوعات متداخل و مرتبط را تشکیل می‌دهد. ضرورت رویکرد نظام‌مند به فقه، مستلزم در نظر گرفتن ارتباط منطقی و انسجام بین ابواب مختلف آن (عبادات، اقتصاد، سیاسات) است؛ که کارآمدی فقه را در اداره شئون جامعه تضمین می‌کند؛ فقه حکومتی، به عنوان رویکردی در تقابل با سکولاریسم، بر نقش و جایگاه فقه در نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه تأکید دارد. این نوع فقه، با ارائه راهکارهای مبتنی بر شریعت، تلاش می‌کند تا ارزش‌ها و اصول اسلامی را در ساختارها و فرآیندهای حکومتی نهادینه سازد و از جدایی دین از سیاست جلوگیری کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای، به این نتیجه می‌رسد که، فقه حکومتی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتهادی و با رویکردی سیستمی، در پی ارائه راهکارهای فقهی نوآورانه برای حکمرانی در عصر حاضر و تحقق اهداف کلان امت اسلامی است.

کلیدواژه: فقه، حکومت، فقه حکومتی، انسجام فقهی، کارآمدی فقه

مقدمه

فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقه‌است، و همچنین فقه حکومتی نگرشی کل نگر و ناظر به تمام ابواب فقه دارد. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می‌شود، در برگیرنده تمام مسائل فقه خواهد بود. بر طبق قوانین فقه اسلامی هیچ فردی حق حاکمیت مطلقه برای برپایی قوانین الهی را جز خداوند متعال ندارد، خداوند متعال این حق را با نصب خلیفه و جانشین به انسان‌های برگزیده در دوران حضور یعنی معصومین، و در دوران غیبت با انتصاب از طرف آنان، مسئولیت حکومت بر عهده فقه‌های شیعه است. (مشکانی، 1390) «فقه حکومتی»، در استنباط مسائل فقهی، اقتضائات حاکمیت سیاسی شیعه و اداره مطلوب جامعه دینی را در نظر گرفته و در استنباط خود ضمن اینکه به رفع نیازهای حکومت عنایت دارد، نیازهای فردی مؤمنان و مکلفان را نیز ذیل نیازها و شرایط کلان جامعه قرار داده و در استنباط خویش، هویت کلان نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را مورد لحاظ قرار می‌دهد. مطابق این نگرش، در بررسی احکام، مباحث فقهی و بیان افعال مکلفان، انسان‌ها به عنوان فردی از افراد کشور اسلامی در نظر گرفته شده و به عنوان فردی جدا و بریده از اجتماع و حکومت مورد عنایت قرار نمی‌گیرند. لذا فقه حکومتی، به معنای نگرش و بینش حاکم بر کل فقه، گستره‌ای همانند فقه غیر حکومتی، مشتمل بر تمامی گستره ابواب فقه دارد، لکن استنباط های فقهی در فقه حکومتی، به غرض اداره مطلوب و شریعت مدار نظام سیاسی بوده و استنباط تمامی ابواب فقه را به گونه‌ای که ناظر به اداره کشور اسلامی می‌باشد، مورد لحاظ قرار می‌دهد. از این روی، گستره‌ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد، نه مباحث سیاسی، بلکه تمامی ابواب و مسائل فقه خواهد بود؛ زیرا اداره مطلوب حکومت، مستلزم قانون گذاری مناسب، منسجم و کارآمد

در شئون مختلف زندگی مردم و جامعه است و فقیه می‌بایست در راستای تدوین قوانین مناسب برای اداره جامعه، همه اقتضائات حکومت اسلامی و نیازهای آن را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه

مقاله «فقه فردی و حکومتی، بایسته‌ها و کاستی‌ها» (1393)، اثر مشترک آقایان نجف علی غلامی و منصور میراحمدی: پرسش اصلی این مقاله پیرامون فردی بودن یا حکومتی بودن فقه شیعه است. واقعیت این است که فقه شیعه در بستر زمانی خود ماهیت فردی به خود گرفته و رویکرد فردگرایانه بر آن غالب گردیده است. این مشی فردمحوری فقه شیعه معلول عوامل تاریخی و اندیشه‌ای است، که در این پژوهش با پرداختن به آن، تلاش می‌کنیم به ضرورت تغییر آن بپردازیم.

مقاله «فقه حکومتی، چپستی، چرایی و چگونگی» (1391)، اثر آقایان محمد ذوالفقاری و سید مهدی سیدیان: مقاله حاضر بر رویکردی تحلیلی تلاش می‌کند تا ضمن بهره‌گیری از آرای فقیهانی همچون امام خمینی که احیاکننده فقه حکومتی در بعد نظری، و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بر مبنای بعد عملی فقه حکومتی در قرن معاصر به شمار می‌رود، جوانب این موضوع را واکاوی و تبیین کند.

مقاله نسبت سنجی فقه حکومتی و حکومت اسلامی، نوشته محسن پیربالایی و سید کاظم سید باقری: این مقاله تلاش می‌کند تا نسبت میان آن دو (فقه حکومتی و حکومت اسلامی) را بررسی کند. در فرضیه بر این امر تأکید شده که علاوه بر این که نسبت بین فقه حکومتی و حکومت اسلامی به صورت تعاملی، ترابطی و تکاملی است ولی با توجه به فرض‌های مطرح شده می‌توان این نسبت را در عموم و خصوص مطلق ردیابی کرد که کتاب و سنت و عقل بر آن دلالت دارد.

ضرورت تحقیق

سوال اصلی این پژوهش این است آیا فقه سنتی می‌تواند در عصر کنونی نیازهای بشر را بطور کامل پاسخ دهد؟ با تغییرات گسترده در دنیای امروز، فقه سنتی دیگر نمی‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای حکمرانی باشد. تکنولوژی، روابط پیچیده بین کشورها، و تغییرات اجتماعی باعث شده‌اند که مسائل جدیدی به وجود بیایند که در فقه سنتی به آن‌ها پرداخته نشده است. این فاصله بین فقه سنتی و نیازهای حکمرانی، یک مشکل ایجاد کرده است. برای حل این مشکل، نیاز به یک رویکرد جدید داریم که بتواند آموزه‌های دینی را با نیازهای روزمره حکمرانی هماهنگ کند. فقه حکومتی تلاش می‌کند با ارائه راهکارهای عملی و متناسب با شرایط امروز، این فاصله را پر کند و به حکومت کمک کند تا بر اساس اصول دینی، مسائل جدید را حل کند. به عبارت دیگر، فقه حکومتی به دنبال ایجاد پلی بین دین و دنیای مدرن است تا حکمرانی بهتری داشته باشیم.

1- مفاهیم پژوهش

1-1 تعریف فقه

فقه در لغت به معنای، فهم عمیق (لسان العرب، 1412ق، 305)، درایت و شناخت عمیق است (ذوالفقاری و سیدیان، 1391) و با علم فرق دارد. به عبارتی، ادراک و استنباط عمیق مقررات عملی اسلامی از منابع و مدارک مربوطه همان فقه است (مطهری، 1377، 15). در اصطلاح علمی: هوالعلم بالاحکام الشریعه الفرعیه عن ادلتها لتفصیلیه. ترجمه علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلیه قرآن، سنت، اجماع، عقل است (شب خیز، 1392، 189).

1-2 تعریف حکومت

حکومت در لغت به معنای استحکام و بازداشتن فرد از ظلم و ستمگری است (فراهیدی، 1364، 67). در کتب حقوق اساسی و علوم سیاسی نیز حکومت، عبارت است از سازمان اداری، تشکیلات و نهادهای سیاسی؛ مانند قوه مقننه، قضاییه و اجرائیه (ابن منظور، 1385، 3).

در تعاریف ارائه شده از حکومت، جدای از نوع دیدگاه‌ها، مترادف‌های حکومت نیز لحاظ شده است و حکومت را با مفاهیم مترادف، هم‌سنخ دانسته‌اند، یا به عبارت دیگر حکومت را با نام‌های مختلف تعریف کرده‌اند که گاه هر نام خود مفهومی جداگانه دارد که این نوع اندیشه نیز از همان دیدگاه‌های فکری آنان منبث می‌شود. از جمله مواردی که با حکومت مترادف دانسته‌اند عبارتند از: دولت، رژیم، حاکم، فرمانروا و بسیاری موارد دیگر، که در این میان مفهوم دولت بیش از همه با حکومت یکسان قلمداد شده است که گاهی در

تعریف حکومت و دولت این دو به جای هم ارائه می شوند که گاه مراد از دولت همان حکومت است و مراد از حکومت همان دولت است که ما برای روشن شدن دقیق معنای این مفاهیم به بیان تعریف لغوی و مفهوم دولت و حکومت می پردازیم. واژه «دولت» از ماده «دول» به معنای گردیدن است، وقتی گفته می شود: «دَالَتْ الْاِیَامُ» یعنی ایام گردش کرد، و «دَالَتْ لَهُ الدَّوْلَةُ» یعنی مال و ثروت یا پیروزی از آن او شد، و «دَالِ اللَّهُ بُنَى فُلَانٍ مِنْ عَدُوِّهِمْ» یعنی خدا فلان طایفه را بر دشمنانشان پیروز کرد (ابن فارس، 1387، 315 - 314) در قرآن کریم نیز آمده است: «وَتِلْكَ الْاِیَامُ نُّدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»:

آن ایام را میان مردم می گردانیم (گاهی به قومی و گاهی به قوم دیگری دهیم) (آل عمران: 140). «دولة» به ضم دال و فتح دال دو واژه است و به ضم دال (دولة) در مورد مال و به فتح دال (دول) در مورد جنگ استفاده می شود (طبرسی، 1403ق، 508). «دولة» گردیدن زمانه و گردش نیکی و ظفر و غلبه به سوی کسی است ذیل واژه «دولت» (دهخدا، 1377، 52).

3-1 مفهوم شناسی حکومت اسلامی

مراد از حکومت اسلامی، حکومتی است که اعمال اقتدار در آن در ساختاری معین به منظور تحقق وظایف و اهداف، براساس آموزه های اسلامی است، باید توجه داشت که اگر حکومتی صرفاً قوانینی وضع کند که با احکام دین تعارض نداشته باشد، حکومت اسلامی قلمداد نمی شود بلکه باید اولاً قوانین با توجه به موازین و چارچوب های کلی شریعت وضع شوند و ثانیاً در مرحله اجرا نیز این قوانین بر احکام شریعت منطبق بوده و توسط افراد ذیصلاح به اجرا درآیند (شبان نیا، 1389، 7).

2- یافته ها

3-2 حکومت بستری مناسب جهت ایجاد فقه حکومتی

نیاز طبیعی و عامل پایداری زندگی انسان، حکومت است (شاکری، 1384، 17) زیرا ضرورت تأسیس جامعه سیاسی به لحاظ مدنی الطبع بودن انسان، احتیاج وی به تمدن و نظم اجتماعی، قانون و ... است (نراقی، 1385، 44) و لذا می بایست مردم برای خویش حکومت تشکیل و حاکمی را تعیین کنند که مصلحت همگانی را بخواهد (طوسی، 1409ق، 522: 6). تشکیل حکومت مطابق فرمایش امام حسن مسئولیت الهی (قمی، 1414ق، 198: 2) و از حقوق نوعیه و اجتماعی است (نائینی، 1361، 18). زحیلی تشکیل حکومت اسلامی را فریضه می - شمارد، زیرا اسلام نظام دینی و مدنی کاملی است که با وجود مسلمانان ملازمت دارد (زحیلی بی تا، 6314: 8). در همین راستا ابن تیمیه نیز ولایت امر (حکومت) را از بزرگترین واجبات دینی می داند که بر مصلحت و رفع نیاز بنی آدم مبتنی است. وی به فرمایش پیامبر در تعیین رئیس در جمع سه نفره استناد می کند (ابن تیمیه، 1418ق، 129). تشکیل حکومت، موضوعی فراگیر است که به ملت های مسلمان منحصر نمی شود، زیرا مصلحت بنی آدم و مدنی بودن نظام انسانی اقتضای این امر را دارد. ماکسیم رودنسون در مقایسه اسلام و مسیحیت یکی از امتیازات اسلام را علاوه بر جهان شمولی، تأسیس حکومت دینی می داند، زیرا اجرایی کردن تمام و کمال زندگی تنها در سایه تشکیل حکومت دینی میسر است که برای ما غربیان در انقلاب اسلامی نمود یافت (مکارم شیرازی، 1427ق، 554 - 555: 1). دین اسلام، وجود حکومت در میان مسلمین را امضاء قطعی نموده است (طباطبایی، 1388، 161: 1) زیرا صبغه اجتماعی دین و اقامه آن برعهده عموم مردم (طباطبایی، 1390، 191 - 192: 4) و حق دینی و اجتماعی است (همو، 1390، 264: 9؛ خمینی، بی تا، 464: 2) و لذا تشکیل حکومت منتج به اجرایی شدن تعالیم و تجلی دین می گردد. امام خمینی بقاء احکام الهی را وابسته به حکومت و ولایت می شمارد. چون اسلام چیزی جز حکومت نیست و احکام شرعی یکی از شئون حکومت (خمینی، بی تا، 5: 472) و حکومت اسلامی تابع قانون الهی است (خمینی، بی تا، 2: 462-460). ماهیت و ابعاد متعدد احکام و قوانین شرع و اجرای حدود الهی، ضرورت و لزوم برپایی حکومت اسلامی را تشکیل می دهند (مفید، 1410ق، 810) و به علاوه پیاده سازی کامل فقه در تمامی ابعاد زندگی بشر فلسفه عملی حکومت است، زیرا حکومت، جنبه

عملی فقه را در معضلات اجتماعی و سیاسی، فرهنگی و نظامی نشان می دهد و لذا فقه تئوری واقعی اداره انسان از گهواره تا گور است که می خواهیم آن را در عمل فرد و جامعه اجرا و برای پیشآمدها جواب داشته باشیم. در همین راستا وجود نظام اجتماعی و حکومتی که حافظ حقوق همه افراد باشد و مصالح همگانی آنها را تحت لوای حکومت رعایت نماید، ضروری است، چنانکه در همه زمان ها و حتی در جنگل ها نیز حکومت و دولت وجود داشته استشایان توجه اینکه مقصود از «ولایت» در حدیث دعائم الاسلام «حکومت» است، زیرا حکومت همراه با سیاست عادلانه مجری مسائل شرعی و منتج به اقامه نماز، روزه و... می شود. شاگرد امام معتقد است نماز، روزه و... از احکام عملی هستند و ولایتی که همدیاف با آنهاست باید اجرایی و عملی (حکومت) باشد، زیرا تحت لوای حکومت، سایر فرایض اقامه می-شوند (منتظری، 1370، 4:1). دیدگاه امام نیز که حکومت را از احکام اولیه اسلام و مقدم بر همه احکام فرعی (نماز، روزه و...) مؤید این مسئله است. برخی نیز ضرورت حکومت را موضوعی عقلی می دانند که عقل بشری به خوبی آن را درک می کند، زیرا بقاء نظم و استمرار معیشت مردم بر وجود سلطه سیاسی متوقف است (نائینی، 1361، 81).

2-2 چپستی فقه حکومتی

در خصوص ماهیت یا چپستی فقه حکومتی اتفاق نظری بین فقها وجود ندارد و هر گروهی تعریف متفاوتی از آن را ارائه کرده اند، شاید بتوان دو عنصر اصلی فقه حکومتی را فقه و حکومت دانست. در این رساله چهار دیدگاه ارائه شده که تفحص نسبت به آن ها ما را به ماهیت فقه حکومتی نزدیک تر می کند.

2-3 عنایت به حکومت به مثابه موضوع فقه

بر اساس این تعریف، فقه حکومتی، پاسخی به موضوعات مورد ابتلا در گستره حکومت است. و در این میان، فرقی بین اینکه حکومت، از مصادیق عادل یا جائز باشند وجود ندارد. بلکه این تفسیر از فقه حکومتی، به زمان اقتدار فقه و فقیهان در عرصه حکومت، اختصاص ندارد بلکه مانند فقه سیاسی، مشتمل بر هر دو زمان (قبض و بسط ی فقیهان) خواهد بود؛ و بر همین اساس، همچنانکه دیدگاه فقیهان مقبوض الید گذشته در خصوص حکومت های جائز و مسائل آن ها مانند حدود، دادخواهی ها، امنیت های نظامی و انتظامی و ...، ذیل این تفسیر از فقه حکومتی جای می گیرد، دیدگاه فقیهان مبسوط الید حاضر در خصوص حکومت عادل و موضوعات مورد نیاز حکومت، نیز از مصادیق فقه حکومتی خواهد بود. طبق این دیدگاه، فقه حکومتی، بابتی از فقه است که به آن دسته از احکام می-پردازد که اجرای آن بر عهده حکومت می باشد (رشاد، 1381: 8).

نقد تعریف از منظر محقق: نقاط قابل نقد آن عبارتند از:

نسبتاً سطحی و کلی: تعریف صرفاً به «موضوعات مورد ابتلا در گستره حکومت» اشاره می کند و عمق و ماهیت این «موضوعات» را مشخص نمی کند. چه نوع موضوعاتی؟ چه نوع پاسخ هایی؟ آیا این پاسخ ها صرفاً تبیین احکام شرعی هستند یا شامل راهکارهای عملی و استراتژیک هم می شوند؟ این ابهام وجود دارد که آیا فقه حکومتی صرفاً تفسیر و استخراج احکام از منابع دینی است یا شامل تحلیل های سیاسی و اجتماعی نیز می شود.

عدم تمرکز بر هدف و کارکرد: هدف و کارکرد فقه حکومتی در این تعریف به طور کامل مشخص نیست. آیا هدف آن فقط تبیین احکام شرعی است یا شامل ارائه راهکارهای عملی برای مدیریت حکومت نیز می شود؟ آیا این تعریف می خواهد به حل مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی بپردازد یا صرفاً به تفسیر احکام دین می پردازد؟

2-4 عنایت به حکومت به مثابه قانون گذاری و اجرای آن توسط حاکم

در این رویکرد حاکم اسلامی (فقیه حاکم) در مقام اجرای احکام در جامعه نیز دخالت می-کند؛ و از آنجا که اداره حکومت با چالش ها و تزارحاتی در مرحله عمل مواجه شده است و اداره مطلوب و کارآمد حکومت، مستلزم اعمال مصلحت (مبتنی بر فقه آموزه های فقهی) و تدبیر است، لذا ولی فقیه به مثابه فقیه حاکم می-بایست علاوه بر استنباط فقهی برای اداره جامعه، جهت حل تزارحات در مسیر تحقق غایات فقه نیز ورود کرده و راهکار مناسب در برون رفت از معضلات را ارائه نماید. براساس این تعریف

استنباط فقیهان در راستای اداره حکومت، موضوعیت نداشته بلکه این ولی فقیه (حاکم) است که باید در راستای اداره جامعه، استنباط کرده و اداره آن بر اساس شرایط موجود جامعه را عهده‌دار شود (علیدوست، 1391: 11).
نقد تعریف از منظر محقق: تعریف صرفاً بر نقش «حاکم» و «فقیه حاکم» متمرکز شده و جنبه‌های دیگر فقه حکومتی مانند تعامل بین فقیه حاکم و مردم، نقش مردم در تعیین سیاست‌ها، و چگونگی نظارت بر عملکرد حاکم را نادیده می‌گیرد. این رویکرد، فقه حکومتی را به نوعی «فقه حاکمیت‌محور» تبدیل می‌کند که می‌تواند به خودکامگی و عدم پاسخگویی منجر شود.

5-2- عنایت به فقه به مثابه نرم افزار اداره حکومت

بر اساس این رویکرد که در زمان بسط ید فقیهان و لحاظ آنها به-مثابه حاکمان یا مرتبطان با عرصه حاکمیت فقیهان تشکیل می-شود فقیهان فارغ از رویکرد مکلف محوری و عنایت به رویکرد شهروندمداری، جامعه و حکومت مستقل و نیازهای آن را مورد عنایت قرار داده و اداره مطلوب آن و شهروندان را در فرآیند استنباط ارائه می-کنند (مهریزی، 1376: 15).
نقد تعریف از منظر محقق: تعریف ارائه شده، فقه را صرفاً به عنوان ابزاری برای اداره حکومت می‌بیند، بدون توجه به ماهیت پیچیده و چندوجهی آن. این رویکرد، فقه را از بُعد «مکلف محوری» و «حقوق شهروندی» جدا می‌کند و آن را صرفاً به «نیازهای حکومت» متمرکز می‌سازد. این نگاه، فقه را از چارچوب نظری و عملی خود جدا می‌کند و آن را به ابزاری صرف برای مشروعیت‌بخشی به اعمال حاکمیتی تبدیل می‌کند.

6-2- نظریه فقه نظامات شهید صدر مقدمه-ای جهت ورود به فقه حکومتی (عنایت به حکومت براساس منطقه الفراغ)

مسئله مستحدثه‌ای که شهید صدر درصدد پاسخگویی به آن برآمد، عبارت بود از «نظام اقتصادی» و نه موضوعات و مسائل خرد. از نظر صدر، این نظام مجموعه‌ای به هم متصل و دارای «مبانی» و «غایات» مخصوص به خود است که مبتنی بر مکاتب سرمایه-داری و مارکسیستی هستند به یک سری اصول بنیادین و ریشه‌های فکری بوده و این بنیادهای فکری، مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی مسلمانان می‌شود (صدر، 1410: 20). در چنین شرایطی، احکام شریعت نیز قابلیت اجرا نخواهند داشت و کارکرد اصلی خود را از دست خواهد داد، چرا که هر نظام اجتماعی مبتنی بر مفاهیم و ارزش‌های مخصوص به خود بنا می‌شود. در چنین شرایطی اگر اسلام نتواند به ارائه نظامات اجرایی دست یابد و به ارائه وظایف فردی بسنده کند، عملاً مدیریت اجتماعی از دست دین خارج خواهد شد و احکام فردی نیز درون نظامات اجتماعی مادی منحل خواهد گردید. از این منظر دو مرتبه ناقص و کامل از شریعت وجود دارد؛ مرتبه ناقص شریعت، صرفاً وظایف «فرد» را در شرایط مختلف معین می‌کند اما مرتبه کامل شریعت، حیات اجتماعی انسان را از طریق «نظامات اجتماعی» تنظیم و هدایت می‌کند. (صدر، 1421: 21). نظریه اصیل نظامات، نخستین قدم در سلسله مراحل حضور پیاپی و همه جانبه دین و احکام اسلامی به ساحت زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. از یک سو اهمیت نظام مند به احکام دین در عرصه‌های مختلف و تأکید بر عدم تحلیل مستقل احکام اقتصادی و اجتماعی اسلام و از طرف دیگر، توجه به مسئله حکومت دینی در عصر تمدن و تجدد، ارکان مهم و اساسی این نظریه است. از این منظر حاکم اسلامی و جامعه دینی از یک سو پایبند به احکام ثابت ولایت‌شریعی است و از طرف دیگر، بنا بر مصالح و اهداف شریعت اسلامی در حوزه منطقه‌الفراغ قوانین لازم‌المتغیری را به جهت تنظیم نظام معیشت و به سعادت رساندن مردم وضع می‌کند. شهید صدر معتقد است که اسلام علاوه بر احکام منفرد، دارای «نظام اجتماعی» نیز است که می‌بایست آن را استخراج کرد، در این صورت نظام و مذهب کشف شده هستند به دین خواهد بود (امیدی فر و خلف خانی، 1394: 40) در این رویکرد از فقه حکومتی، محدوده‌ای از اختیارات برای فقیه رقم زده می‌شود که به محدوده منطقه-الفراغ (که احکام عامه برای آن از سوی شارع ارائه نشده و تعیین تکلیف در آن خصوص به عهده حاکم اسلامی نهاده شده است) محدود شده و فقیه تنها در همان محدوده می‌تواند اعمال ولایت نماید. در این رویکرد، احکام صادر شده از سوی حاکم نسبت به این امور، هر چند در حوزه امور فردی، ذیل مباحث قرار دارد، لکن الزام حاکم (مبتنی بر ضرورت‌ها و شرایط جامعه مبتنی بر اداره مطلوب جامعه) آن حکم مباح را برای شهروندان، الزامی می‌کند (صدر، 1410، 56-42؛ صدر، 1417، 445-443).

نظر منتخب (شهید صدر) از دیدگاه محقق: نظریه فقه نظامات شهید صدر، مقدمه‌ای قدرتمند برای ورود به فقه حکومتی است، چراکه با تأکید بر «منطقه الفراغ» و عدم وجود حکم شرعی صریح در بسیاری از مسائل معاصر، فضایی برای تفکر و اجتهاد در حوزه حکومت‌داری مدرن فراهم می‌کند. این نظریه، به جای تکیه صرف بر احکام موجود، به چگونگی استخراج و استنباط احکام جدید در مواجهه با مسائل نوظهور می‌پردازد و این مهم، زمینه را برای شکل‌گیری فقه حکومتی کاملی فراهم می‌آورد که بر اساس احکام و قواعد کلی اسلام، به مسائل پیچیده و متنوع زمانه پاسخ می‌دهد. فقه حکومتی کامل، از منظر شهید صدر، بر پایه این نظریه و عنایت به منطقه الفراغ، به دنبال ارائه چارچوب و الگویی جامع برای سامان‌دهی تمام ابعاد زندگی در سایه حکومت اسلامی است. این جامعیت، نه تنها شامل احکام حقوقی و سیاسی، بلکه شامل مباحث اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز می‌شود. فقه حکومتی کامل، با توجه به مبانی فقهی و فلسفه اسلامی، می‌کوشد تا در برخورد با مسائل پیچیده، راهکارهایی بر اساس مصالح و مقاصد شرع ارائه دهد و از «منطقه الفراغ» به عنوان بستری برای اجتهاد و نوآوری در جهت تحقق اهداف اسلام بهره‌برد. اهمیت این رویکرد در این است که فقه حکومتی را از حالت صرفاً اقتباسی و مبتنی بر احکام گذشته خارج می‌کند و آن را به نظامی پویا و پاسخگو به نیازهای زمان تبدیل می‌کند.

7-2 فقه سرپرستی در فقه حکومتی

دانش «فقه» به عنوان اصلی‌ترین دانش مستند به منابع دین، می‌بایست کانون هدایت و سرپرستی جامعه دینی را بر عهده گیرد؛ بنابراین مأموریت «فقه حکومتی»، «هدایت و سرپرستی جامعه دینی در مسیر ولایت الهی» است، طبق این تعریف، می‌بایست اولاً تصویری از «جامعه» و «نهاد حاکمیت» و ابعاد این دو به دست آوریم چرا که موضوع تصرف فقه حکومتی، «جامعه» و نهاد متصدیان، «حکومت» است، سپس به کیفیت «هدایت» و «مدیریت» اجتماعی، توسط «فقه» پردازیم (عبدالله امیدی، 1394: 40). آنچه در فقه سرپرستی اصالت دارد «حکومت» است و نه «حکم»؛ آنچه موجب کمال و قرب انسان می‌گردد حکومت الله است... طبق این مبنا همه ملاکات به تبع ولایت امام تعریف می‌شود و تولی و تبعیت از امام، انسان را به خدا می‌رساند. احکام هم به تبع ولایت ایشان اعتبار پیدا می‌کند که در حقیقت مناسک تولی به امام است (میرباقری، 1394/04/17). با عنایت به آنچه در خصوص ماهیت فقه حکومتی گذشت تعاریف ذیل از سوی اندیشمندان ارائه شده است؛ نقد محقق: مهم‌ترین ایرادات این تعریف خلط شدن با فقه سیاسی است.

2-8 فقه حکومتی

- 1- فقه حکومتی دانش احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی در چارچوب یک سازمان متشکل مبتنی بر قدرت حاکم در دولت کشور است (ضیایی، 1391، 131).
- 2- فقه حکومتی دانشی است، که معارف مربوط به نظام‌های اجتماعی یا آموزه‌های مورد نیاز برای اداره جامعه را از منابع دینی استخراج می‌کند لذا از فقه حکومتی، گاه به عنوان فقه نظام‌ها یا فقه‌الاداره یاد می‌شود (پرو، 1390، 92).
- 3- فقه حکومتی به مثابه یک رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهی است، که در مقابل روش و رویکرد فردی استنباط احکام قرار می‌گیرد. فقه حکومتی، نگرشی کل‌نگر و ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو، گستره‌ای که در فقه حکومتی بحث می‌شود تمام ابواب و مسائل فقه خواهد بود. در این نگاه، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است (مشکانی سبزواری، 1390، 185-184).
- 4- فقه حکومتی دانش استنباط احکام مربوط به اداره و سرپرستی از طریق نظام‌ها و نرم‌افزارهای اجتماعی از منابع دینی است. این دانش، زمینه‌ها و قواعد جریان یافتن اصول و ارزش‌های دینی در حوزه مدیریت کلان اجتماعی را فراهم می‌سازد (میرباقری، 1395، 61).

بنابراین فقه حکومتی فقهی است که تبیین الگوی نظام اسلامی در ایجاد روابط گوناگون اجتماعی و مدیریت و هدایت و کنترل آن بر اساس شریعت الهی اسلام را بر عهده دارد. بدین ترتیب واژه‌ی فقه حکومتی به مفهومی اعم از واژه (فقه سیاسی) اشاره دارد؛ زیرا شامل فقه مربوط به سایر نظام‌های اجتماعی؛ نظیر نظام فرهنگی، نظام آموزشی، نظام اقتصادی، و غیره می‌شود (اراکي، 1393، 71).

9-2 تعریف فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

«فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باد. شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحما می کنید، باید توجه داشته باشید که این در یکجا از اداره زندگی این جامعه تأثیری خواهد داشت تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصیه و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه اینها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط بکنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد (خامنه‌ای 1370/6/31).

ایشان در بیانی دیگر مبتنی بر رویکرد فقه حکومتی، استنباط مباحث خمس و زکات را مورد تأکید قرار داده است. بدین صورت که برخلاف دیدگاه فردی که می توان از خمس و زکات به عنوان مالیات شرعی یاد کرد همچنین می توان از خمس و زکات به مثابه مالیات و درآمد کلان نظام اسلامی، یاد کرد

همچنانکه این دو رویکرد، تفاوت اساسی از حیث روش استنباط و رویکرد استنباط و موضوع شناسانه دارد، به نتایج و ثمرات متفاوتی منجر خواهد شد که از آن میان می توان به گونه مصرف این مالیات اشاره کرد:

وقتی در باب مسائل مالی اسلام بحث می کنیم، باید این را مورد نظر قرار بدهیم که جامعه اسلامی، نظام اسلامی امور مالیش چگونه بگذرد؟ اگر در باب خمس بحث می کنیم، به این لحاظ بحث کنیم که نظام اسلامی از هر کسی چقدر، از چه چیزی و برای چه مصرفی باید بگیرد؟ کما اینکه ظاهر آیاتی که در باب خمس یا زکات «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: 103). و آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (قرآن: 41/8).

ترجمه: و (ای مؤمنان) بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان (از خاندان او) است.

ترجمه: تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می سازی و رشد و برکت می دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست.

بحث بر سر امور مسلمان ها و جامعه اسلامی است. بحث یک فرد مسلمان بریده از افراد دیگر نیست که حالا من با این یک مشت پولی که دارم، چطور باید رفتار کنم؟ چیزی مهم تر اینکه مجتمع عظیم این میلیون ها انسان با این نظام، با این حکومت، این ها با این درآمد خودشان چگونه باید عمل بکنند؟ درآمد عام و عمومی جامعه اسلامی چیست؟ خمس در این رابطه باید مورد توجه قرار بگیرد (خامنه ای 1366/01/06).

10-2 الزامات فقه حکومتی

فقه حکومتی دارای ویژگی هایی است که نه فقط آن را از رویکرد فقه فردی (غیر حکومتی) متمایز می کند، بلکه دارا بودن این ویژگی ها به درکی واضح از این رویکرد فقهی، کمک کرده و البته الزاماتی را برای آن، رقم می زند. از آنجا که ویژگی های متعددی برای فقه حکومتی می توان در نظر گرفت، لذا این ویژگی ها ذیل چهار عنصر اساسی، مبانی، رویکرد، روش و گستره، مورد عنایت قرار می گیرد:

1-10-2 از حیث مبانی

1-10-1-2 همه جانبه بودن و جامعیت دین

ایجاد و تحقق فقه حکومتی در راستای باور به این نکته است که فقه شیعه، به مثابه قانون اداره زندگی بشر در همه عرصه های زندگی بوده و عرصه ای از این زندگی را نمی توان از شمول فقه خارج دانست. بر این اساس، گرچه همه فقیهان نسبت به این جامعیت، اتفاق دارند. لکن باور به اشتغال آن نسبت به اداره زندگی اجتماعی و حکومتی که در بسیاری موارد، مقدم بر زندگی فردی مؤمنان بوده و تأثیری مضاعف در زندگی مؤمنان مکلفان خواهد داشت، در مرحله عمل، با تردید مواجه شده است. به گونه ای که امروزه و با تحقق نظام اسلامی مبتنی بر آموزه های فقه شیعی و ضرورت پاسخگویی به نیازهای کلان حکومتی و اداره مطلوب جامعه بر اساس رویکرد

فقهی، اما همچنان، رویکرد فقه حکومتی، سکه رایج در استنباط فقیهان نبوده و همچنان بسیاری از فقیهان، به رویکرد سنتی خویش در استنباط احکام فردی مؤمنان، مشغول بوده و اجتهاد خویش را در راستای اداره زندگی کلان جامعه، به کار نگرفته اند. لذا عدم ورود به این عرصه به معنای خالی بودن، عرصه فقه و دین در این خصوص بوده که در انتها به سکولاریسم عملی انجامیده و به تدوین این قوانین از سوی غیر فقیهان می انجامد. بلکه با سیاست گذاری غیر فقیهان در این عرصه (که تأثیری اساسی در فقه فردی و زندگی مؤمنانه در سطح جامعه هم خواهد داشت)، فقه فردی هم می تواند در مسیر غیر مناسب خویش قرار گیرد. در توضیح این مدعا باید گفت اصولاً قوانین هر جامعه بر اساس فرهنگ، و مکتب و هنجارهای غالب همان جامعه نگاشته می شوند، در نظام اسلامی، قوانین باید بر اساس موازین حاکم بر مکتب اسلامی نگاشته شوند و در این میان، فقه شیعه که رفتارهای مردم و کارگزاران و ساختارهای نظام را مورد عنایت قرار می دهند، باید محور قوانین اداره جامعه باشد و از آنجا که قوانین باید جامع همه نیازهای اداره جامعه باشند، لذا غیرمبتنی بودن بخشی از قوانین نسبت به فقه، مستلزم ارائه قوانین بر اساس اموری غیرمبتنی بر فقه یا مبتنی بر مکاتب غیر اسلامی که طبیعتاً این امر به رویکرد اداره فقه شیعه در بخشی از نظام اداره کشور و عهده داری بخشی دیگر از آن بر اساس ضوابط و مبانی غیرفقهی یا غیردینی خواهد شد که در حقیقت، همان سکولاریسم به عنوان فروگذار شدن بخشی از نظام اداره جامعه از جانب دین و فقه و واگذار کردن آن به غیردین است. این در حالی است که در رویکرد فقه حکومتی، همه آنچه به نظام اداره جامعه مربوط می شود به فقه شیعه مستند بوده و فقیهان از فقه شیعه به مثابه نرم افزار اداره جامعه از منابع و ادله فقهی در راستای ارائه قوانین جامعه نیازهای روزآمد و متنوع فردی، اجتماعی و حکومتی، استفاده کرده و نظام اداره جامعه را به غیردین و سایر مکاتب غیردینی واگذار نمی کنند

2-10-1-2 پاسخگویی به مسائل مرتبط به اداره حکومت

ایجاد فقه حکومتی، در گرو این مبناست که فقه قادر است به همه نیازهای انسانی، پاسخ گفته و منعی نسبت به اشتغال نیازهایی متناسب با اداره کلان جامعه، در فقه نیست. براساس این منطق که به جامعیت و جاودانگی دین اسلام، مستند است، حکومت در عصر غیبت، تعطیل نبوده و با غیبت معصوم در جامعه، فقیه جامع الشرائط (به مثابه شبیه ترین فرد به امام در عصر غیبت و فردی که از جانب امام به سرپرستی در جامعه منصوب شده است) قادر است کار ویژههای معصوم در عصر غیبت را انجام داده و شریعت را در جامعه، محقق سازد (خمینی، 1421 ق، 417: 2؛ خمینی، 1373، 51).

در رویکرد فقه حکومتی، فقیهان نه فقط می بایست در فتاوا و احکام خویش، استناد به نصوص و متون دینی و حجیت این فتاوا را مورد عنایت قرار دهند، بلکه میبایست براین اساس که حکومت، فلسفه عملی فقه از گهواره تا گور است، اداره مطلوب و کارآمد جامعه به واسطه احکام فقهی را نیز مورد عنایت قرار دهند. چه آنکه در صورت فقدان کارآمدی نظام اسلامی مبتنی بر فقه شیعه، شهروندان نسبت به توانایی دین در اداره جامعه ناامید شده و اداره نظام جامعه را در گرو غیردین قرار خواهند داد. بلکه صرف پاسخگویی در قالب احتیاط، یا برائت، یا احکام ثانوی و اضطراری، نظام اداره جامعه را با مشکل و ناکارآمدی مواجه خواهد کرد.

2-10-2 از حیث گستره

2-10-2-1 گسترده‌گی مخاطبان

فقه فردی همواره به دنبال پاسخگویی به نیازها و پرسش‌های بالفعل و بالقوه مکلفان بوده و مسائل و موضوعاتی را مد نظر قرار داده که مستند به پرسش‌های روزآمد مخاطبانش بوده است. از این رو، با تحقق حکومت مبتنی بر فقه، پرسش‌های فردی مؤمنان پاسخ داده می شده است. اما با تحقق حاکمیت سیاسی مستند به فقه و فقاقت، لازم است که دایره مخاطبان از سطح مؤمنان فراتر رفته و در راستای اداره مطلوب جامعه سیاسی، ضمن اینکه همه شهروندان جامعه اسلامی مخاطب احکام قرار می گیرند، نیازهای آنان نیز در استنباط لحاظ شده و قوانین اداره جامعه با در نظر گرفتن حضور غیرمؤمنان و غیرمسلمانان استنباط و ارائه شود. اگرچه در مواردی از فقه شیعه، غیرمکلفان نیز مخاطب شریعت شمرده شده اند، اما آنچه فقه حکومتی را از این جهت از فقه سنتی متمایز می کند، این است که مخاطب فقه حکومتی از سطح مقلدان فراتر رفته و همه شهروندان جامعه اسلامی را در بر می گیرد. به عبارت دیگر، همه

شهروندان به قوانین مبتنی بر فقه شیعه (به عنوان هنجارهای غالب جامعه) ملزم می‌شوند یا در مواردی قوانین به گونه‌ای ترسیم می‌شوند که غیرمقلدان را ملزم به رفتار مطابق مذهب می‌کند.

2-10-2-2 از حیث گستردگی مباحث فقهی

بر خلاف فقه‌های تخصصی مانند (فقه سیاست، فقه عبادات، فقه معاملات، فقه تربیت، فقه قضا و ...) که بخشی از مباحث فقه متناسب با آن تخصص را مدنظر قرار می‌دهند، گستره فقه حکومتی، به مباحث معینی محدود نشده و مشتمل بر همه ابواب فقه خواهد بود. بر این اساس، همچنانکه اداره کشور اسلامی، مستلزم بحث در اداره کلان اقتصاد آن جامعه است (و لذا مشتمل بر مباحث اقتصاد است)، مستلزم بحث در اداره مطلوب نظامی و انتظامی جامعه به-صورت کلان، خواهد بود که حکم به اشتغال فقه، نسبت به مباحث امنیتی خواهد داد. بلکه مباحثی از قبیل فرهنگ، تربیت، آموزش، دادخواهی‌ها، مدیریت، سیاست و ... نیز می‌بایست ذیل فقه حکومتی (البته در تراز اداره یک جامعه کلان)، مورد بحث قرار بگیرد؛ و خالی بودن بخشی از این مباحث، می‌تواند به خلا در نظم عمومی و فقدان قانون در این عرصه بیانجامد که می‌تواند به تبعاتی از قبیل هرج مرج و به هم خوردن نظام جامعه در این عرصه بیانجامد. از این روی، گستره فقه حکومتی، همان گستره فقه سنتی است و همه شئون زندگی را در بر می‌گیرد گرچه رویکردی متفاوت نسبت به فقه سنتی داشته و برخلاف فقه سنتی که پاسخ به مؤمنان در زندگی شخصیشان می‌دهد، در پاسخ به نظام اداره مطلوب جامعه استنباط می‌کند. بر این اساس عموم گستره فقه حکومتی (مانند فقه سنتی)، نسبت به فقه‌های تخصصی متفاوت بوده و برخلاف فقه‌های تخصصی که پاسخ به بخش‌های از فقه (در عرصه عبادات، سیاست، معاملات و ...) را مدّ نظر قرار می‌دهد، فقه حکومتی همه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و همچنانکه حکومت، محدود به بخشی از شئون زندگی نیست، فقه حکومتی نیز متناسب با اقتضائات حکومت، همه شئون زندگی جامعه را در بر می‌گیرد.

3-10-2-2 گستردگی جغرافیایی

فقه حکومتی که اداره مطلوب جامعه‌ای کلان در سطح نظام اسلامی (حکومت) را مدّ نظر قرار می‌دهد، نمی‌تواند خود را در محدوده جغرافیایی مؤمنان، محدود کند و نیازهای شخصی آنان در عرصه احوالات شخصیّه و عبادات بلکه احکام خرد عرصه اقتصاد، حقوق و خانواده را مدّ نظر قرار دهد. بلکه می‌بایست با لحاظ گستره شمول خود در داخل مرزهای جغرافیایی، از یکسو، مباحث نظام اداره کشور در این گستره جغرافیایی را مدّ نظر قرار دهد و طبیعتاً رویکرد کلان در مباحث، متناسب با اداره مطلوب جامعه و شهروندان را در استنباط خویش، لحاظ کند. بلکه ضمن بررسی مسائل داخلی این نظام، ارتباط آن با سایر نظام‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهد. «باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد» (خمینی، 1378، 218: 21).

3-10-2-3 از حیث روش شناسی

گرچه فقه حکومتی، به مثابه رویکردی فقهی، مستلزم استنباط بر اساس روش استنباط فقهی است و از این روی، ضوابط عام استنباط، بر فقه حکومتی نیز حاکم خواهد بود، لکن رویکرد فقه حکومتی به مثابه رویکردی متمایز از فقه فردی (که عمده روش شناسی اجتهاد، مطابق اقتضائات فقه فردی، بر اساس آن تنظیم شده است)، باوجود اینکه از ضوابط عام، استنباط بهره می‌گیرد، مستلزم روش شناسی متمایزی متناسب با این رویکرد فقهی است؛ که برخی از آنها از نظر می‌گذرد.

4-10-2-2 نظام وارگی متناسب با اداره نظام سیاسی

حکومت اسلامی، نه فقط مشتمل بر مجموعه ای فراگیر از موضوعات مورد ابتلا برای اداره جامعه است، بلکه این موضوعات و مسائل که اداره هدفمند و منسجم اداره نظام سیاسی را مد نظر قرار می دهد میبایست در نظامی منطقی و به صورت منسجم در کنار هم به صورت اجزای نظام واحد لحاظ شوند بگونه ای که حکم بخشی از جامعه، با بخش دیگر آن در تنافی نبوده و از اجتماع دوگونه حکم در بخش های مختلف جامعه، اشکالی ایجاد نشود. لذا بر خلاف فقه فردی که با وجود نظام وارگی ذاتی فقه، حکم افراد را با ملاحظه نسبت به سایر شهروندان و جایگاه وی در جامعه و اقتضائات و شرایط حاکم بر جامعه، استنباط نمی کند لذا به خاطر عدم نیاز به ارتباط منظومه وار نسبت به سایر شهروندان و حضور در زیست محیط جامعه، ضرورتی برای نظام وارگی متناسب با اداره نظام سیاسی وجود ندارد، استنباط احکام در فقه حکومتی، می بایست بگونه ای باشد که در مجموع، هدفی واحد را در راستای اداره نظام سیاسی تامین کنند. بگونه ای که مثلاً حکمی فقهی در عرصه ی سیاست، با مشکلات اقتصادی برای نظام و مردم همراه نبوده یا اینکه احکام اقتصادی، مشکلات سیاسی امنیتی به همراه نیاورد. بر این اساس، در رویکرد فقه حکومتی، علاوه بر رویکرد نظام وارگی متناسب با ذات فقه و ملاحظه ضرورت های حاکم بر نظام سیاسی، رویکردی نظام واره متناسب با اداره نظام سیاسی نیز می بایست در استنباط احکام، مورد عنایت قرار بگیرد (کاشف الغطاء، بی تا، 187: 1؛ خمینی 1421، 2: 655؛ کاشانی، 1428، 1: 30-28).

5-10-2 در نظر گرفتن ثباتات و متغیرات در استنباط احکام

حکومت ها به خاطر اقتضائات اداره مطلوب جامعه، از یکسو می بایست ثباتات هنجاری نظام سیاسی را در تصمیمات و سیاست های خویش، لحاظ کرده و از سوی دیگر باید در مواجهه با مشکلات و حل صحیح آن، انعطاف های لازم را مد نظر قرار دهد. بر این اساس، فقه حکومتی به خاطر اقتضائات لازم جهت اداره مطلوب جامعه ای کلان، می بایست ضمن عنایت به ثباتات فقه، انعطاف های لازم جهت تدبیر مناسب در مواقع لزوم و به جهت برون رفت از بحران ها و معضلات، در نظر بگیرند که از آن جمله می توان به مراعات مصلحت، مراعات اقتضائات زمان و مکان در فرایند استنباط روزآمد و صدور احکام حکومتی، اشاره کرد.

6-10-2 امکان تبدیل به قانون

از آنجا که فقه حکومتی، شهروندان جامعه (و نه مکلفان) را به مثابه مخاطبان خویش، لحاظ می کند و از سوی دیگر، حکومت ها احکام خویش را در راستای الزام به انجام از سوی شهروندان، به قانونی الزامی، تبدیل می کنند، لذا فقه حکومتی در راستای تدبیر امور جامعه باید بتواند احکام فقهی را به قوانین الزام آور برای همه شهروندان تبدیل کند و همچنین مستلزم ترسیم ساختار حکومت و بیان حقوق و وظایفی بر عهده سازمان ها و نهادهای حکومتی (به مثابه شخصیت حقوقی) است. بر همین اساس از آنجایی که فقه حکومتی فقه را تبدیل به قانون می کند لذا احکام فقهی خود را علاوه بر اشخاص حقیقی (اعم از مکلفان به شریعت و شهروندان)، به شخصیت های حقوقی نیز تسری می دهد.

7-10-2 از حیث رویکرد

7-10-2- رویکرد کاربردی فقه حکومتی

احکامی که در راستای فقه حکومتی، استنباط می شود، از دو سو مورد عنایت قرار می گیرد. از یکسو، این حکم می بایست مستند به ادله شرعی باشد یعنی (دارای حجیت باشد) و از سوی دیگر، این حکم باید بگونه ای باشد که جریان آن در جامعه، نه فقط ضرری به نظم عمومی و مصالح عامه جامعه نداشته باشد، بلکه باید کارکرد صحیح در جامعه داشته و فرایند شهروندی را تسهیل نماید. از این روی، حکم به احتیاط های متعدد برای شهروندان که به حرج و ضرر آنها انجامیده و ضمن اینکه در فرایند شهروندی قرار ندارد، موجبات دین گریزی را برای توده مردم به ارمغان می آورد.

«با استقرای فتاوا بر اساس رویکرد فقه فردی، شاهد کثرت و شیوع احتیاط های بسیار هستیم. پرواضح است که تجویز احتیاط های فراوان در عرصه جامعه و حکومت، به ایجاد خلل در تصمیم سازی ها و سیاست های جامعه خواهد انجامید» (ذوالفقاری و سیدیان، 1391، 10).

یا مثلاً تحریم مسائل مستحدثه با وجود نیاز جامعه به آنها با توجیه استناد به شارع، قابل قبول نیست؛ زیرا احکام شارع در عرصه امور حکومتی، به غرض ناراضی گزینی و کم کردن رویکرد دینی، جعل نشده بلکه احکام شرع، از مسیر جامعه گذشته و با لحاظ مصلحت

مردم، در راستای همراهی توده مردم، قرار دارد. بر این اساس، مثلاً نمی توان اصل جامعه، حکومت و تمدن را پذیرفت و درعین حال، پدیده هایی چون بانک، تلویزیون، بیمه، اتومبیل، مالیاتهای حکومتی، حقوق گمرکی و ... را به این دلیل که دلیل از سوی شارع برای شرعیت این امور وجود ندارد، نپذیرفت بلکه مواجهه با این امور، علاوه بر حجیت و امکان استناد به شارع، می بایست بر اساس منطق کارآمدی نظام سیاسی باشد (خمینی 1378، 21: 218).

2-10-7-2 رویکرد مراعات اقتضائات نظام

فرایند استنباط در رویکرد فقه حکومتی باید بگونه ای باشد که علاوه بر اینکه اداره مطلوب نظام، تضمین می-شود تحقق غایات شارع در متن جامعه و از سوی شهروندان، مدّ نظر قرار می گیرد. بدیهی است نه فقط تصمیم ها و سیاست های کلان جامعه، بلکه رفتارهای فردی شهروندان نیز باید در راستای منافع جمعی قرار داشته و مصلحت آنان را ضایع نکند. مثلاً گرچه در رویکرد فردی، مصرف آب به جهت غسل، سقف محدودی نداشته و استفاده از حجم زیاد از آب، ضرری به غسل نمی زند، اما هرگاه این مصرف بی-رویه (در سطح کلان) امنیت آبی جامعه را تهدید نماید، طبیعتاً صحت این غسل، محلّ تأمل قرار خواهد گرفت. بلکه استفاده بی-رویه از گاز خانگی یا صرف آب شهری برای استخرهای خانگی (به این بهانه که هر شخصی مبلغ آن را می پردازد) در صورتی که امنیت آبی-گازی شهروندان را تهدید کرده و در سطح کلان، کم آبی و کم گازی در جامعه منجر شده و از این طریق، به خطری برای جامعه تبدیل شود. طبیعتاً در این زمان، فقیه، حکم به عدم جواز مصرف آب و گاز به اندازه دلبخواه کرده، بلکه حکم به قطع آب و گاز اینگونه مصرف کنندگان می دهد یا جرائمی را برای آنان در راستای تعادل سازی مصرف، در نظر می گیرد.

2-11 موضوع فقه حکومتی

بر این اساس کار حکومت صرفاً اجرای احکام اجتماعی فقه نیست، حتی وظیفه آن صرفاً پیاده کردن نظامات اجتماعی نیست. بلکه در یک قدم جلوتر امری به نام «تصرف» مطرح می شود؛ حکومت در جامعه تصرف می کند و جامعه را از یک وضعیت به وضعیت دوم سیر می دهد. به عبارت دیگر موضوع اصلی فقه حکومتی، تصرف برای تغییر وضعیت است. بر این اساس آنچه موضوع فقه حکومتی است جامعه بعنوان یک کل متغیر و در حال حرکت است.

تفقه می بایست به عرصه های اجتماعی و حکومتی ورود پیدا کند و از مقیاس فرد به مقیاس جامعه و حکومت ارتقاء یابد. دانش فقه موجود نیز به دلیل بستر تاریخی تکوین و تکامل خود در دوران انزوای شیعه از مناسبات حکومتی، برمدار مقیاس فردی شکل گرفته است و سعی دارد احکام تکلیفی آحاد مکلفین را استنباط کند. «فقه حکومتی» مقیاسی کامل تر از «فرد» دارد و می بایست بتواند جامعه و نظام حاکمیت را موضوع مطالعه خود قرار دهد و توانایی و قابلیت ملاحظه اقتضائات موضوعات اجتماعی و حکومتی را در خود ایجاد کند (عبدالله امیدی فر، 1394، 46).

نتیجه گیری

فقه حکومتی نگرشی کل نگر و مبتنی بر دیدگاه حداکثری از دین ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو موضوع فقه حکومتی همه جامعه (شهروندان نه صرفاً مکلفان) را تحت الشعاع قرار می دهد بر این اساس فقیهان علاوه بر پاسخگویی به نیازهای نوپدید و مستحدثه فقهات را در تراز رفع نیازهای تازه جامعه قرار داده و اداره شریعت مدار جامعه را عهده دار شده است. در همین راستا فقیهان بعنوان جانشینان معصوم در جامعه باید به گونه ای احکام فقهی را استنباط نمایند که این احکام بعنوان تشکیلات اداره جامعه به تحقق خلافت الهی در جامعه منجر شده و زمینه ساز مدینه فاضله را فراهم سازند. آنچه در نهایت در خصوص الزامات فقه حکومتی می توان مدنظر قرار داد توسعه مخاطبان دین از سطح خرد (مومنان و مکلفان)، به شهروندان و عموم مردم است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، الحیاء التراث، 1385 ق، چاپ اول، بیروت.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، السیاسة الشریعة فی اصلاح الراعی و الرعیه، وزارة الشؤون الاسلامیه، 1418 ق، چاپ اول، عربستان
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، مقیاس اللغة، دراسات الحوزه الجامعه، 1387 ق، چاپ سوم، بیروت.
- اراکي، محسن، فقه نظام سیاسی اسلام، انتشارات معارف، 1393 ش، چاپ اول، قم.
- امیدی ۶۴، عبدالله، خلف خانی، علی، بررسی و تحلیل مولفه های نظریات حوزه فقه حکومتی، مجله فقه اجتماعی، 8، 1395 ش.
- پرور، اسماعیل، فقه حکومتی، چرایی، چیستی و چگونگی، مجله سوره اندیشه، 56-57، 1390 ش.
- خامنه ۶۱، سید علی، بیانات در آغاز درس خارج از فقه، 1370/06/31 ش.
- _____، بیانات در دیدار با جمعی از علما و روحانیون و طلاب، 1366/01/06 ش.
- خمینی، روح الله، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1378 ش، چاپ دوم، تهران.
- _____، البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1421 ق، چاپ چهارم، تهران.
- _____، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1373 ش، چاپ، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، سازمان لغت نامه دهخدا، 1325 ش، جلد چهارم، چاپ اول، تهران.
- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، بی ۶۳ تا، چاپ اول، دمشق.
- رشاد، علی اکبر، اجتهاد موجود و اجتهاد مطلوب، مجله پژوهش و حوزه، 12، 1381 ش.
- ذوالفقاری، محمد، سیدیان، مهدی، فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی، چگونگی، مجله معرفت سیاسی، 1، 1391 ش.
- سید باقری، سید کاظم، پیربالایی، محسن، نسبت سنجی فقه حکومتی با حکومت اسلامی، مجله فقه حکومتی، 12، 1398 ش.
- شاکری، طویا، فقه حکومتی فرا مذهبی با تحلیل قاعده التعزیر بما یراه الحاکم، مجله فقه مقارن، 1، 1392 ش.
- شبان ۶۳، نیا رکن آبادی، قاسم، حقوق بشر در پرتو اهداف حکومت اسلامی، معرفت سیاسی، 2، 1389 ش.
- شب ۶۳، خیز، محمد رضا، اصول فقه دانشگاهی، آوا، 1392 ش، چاپ دوم، تهران.
- صدر، محمدباقر، السلام یقود الحیاء، دارالتعارف للمطبوعات، 1410 ق، چاپ اول، بیروت.
- _____، اقتصادنا، دارالتعارف للمطبوعات، 1417 ق، چاپ اول، بیروت.
- _____، لمحہ فقهیہ تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران، جهاد البناء، 1421 ق، تهران.
- ضیایی ۶۴، سعید، درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1391 ش، چاپ اول، قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین، بررسی های اسلامی، بوستان کتاب، 1388 ش، چاپ دوم، قم.
- _____، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی، 1390 ق، چاپ اول، بیروت.
- طبرسی، حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مکتبه المرعشی، 1403 ق، چاپ اول، نجف.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، 1409 ق، چاپ اول، قم.
- علیدوست، ابوالقاسم، چهار گام برای پویایی فقه حکومتی، همایش «ظرفیتهای فقه جواهری در قلمرو فقه حکومتی»، چهارم خرداد، 1391 ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، هجرت، 1364 ش، چاپ دوم، قم.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، مکتبه الصدر، 1428 ق، چاپ اول، تهران.
- قمی، عباس، سفینه البحار، اسوه، 1414 ق، چاپ اول، قم.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1380 ش، چاپ اول، قم.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی، درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، مجله حکومتی اسلامی، 2، 1390 ش.

- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، صدرا، 1377 ش، چاپ اول، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، امام علی بن ابی طالب (ع)، 1427ق، چاپ اول، قم.
- مهریزی، مهدی، فقه حکومتی، مجله نقد و نظر، 12، 1376ش.
- میرباقری، سید محمد مهدی، سخنرانی درباره مبانی فقه حکومتی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام (ره)، 1394/04/17ش.
- _____ فقه حکومتی از منظر شهید صدر، مجله راهبرد فرهنگ، 36، 1395 ش.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، تفکر، 1370ش، چاپ اول، قم.
- نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه الامه، دارالتنویر، 1361ش، چاپ اول، بغداد.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، سیف الامه و برهان المله، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1385 ش، چاپ اول، قم.